

دُعای جوشن کبیر

مَقْصُودٍ قُصِدَ، یا اَکْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، یا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ.

مقصودی که قصد شده، ای گرامی ترین پرسیده‌ای که پرسش شده، ای شریف ترین محبوبی که دانسته شده.

﴿۸۷﴾ یا حَبِيبَ الْبَاكِيْنَ ، یا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ ، یا هَادِيَّ

(۸۷) ای محبوب گریه کنندگان، ای سرور توکل کنندگان، ای راهنمای

الْمُضِلِّيْنَ ، یا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ ، یا اَنِيْسَ الْذَّاكِرِيْنَ ، یا مَفْرَعَ

گمراهان، ای سرپرست مؤمنان، ای همدم ذاکران، ای پناه جان

الْمَلْهُوفِيْنَ ، یا مُنْجِيَّ الصَّادِقِيْنَ ، یا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ ، یا اَعْلَمَ

سوختگان، ای رهایی بخش راستگویان، ای توانا ترین توانایان، ای داناترین

الْعَالَمِيْنَ ، یا اِلَهَ الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ . ﴿۸۸﴾ یا مَنْ عَلَا فَقْهَرٌ ، یا مَنْ

دانایان، ای پرستیده همه آفریدگان. (۸۸) ای آن که فراتر رفت و چیره گشت، ای آن

مَلَكٌ فَقْدَرٌ ، یا مَنْ بَطُنَ فَخْبَرٌ ، یا مَنْ عُبدَ فَشْكُرٌ ، یا مَنْ

که دارا گشت و توان یافت، ای آن که نهان شد و آگاهی یافت، ای آن که پرستش شد و ارج نهاد، ای آن

عُصِيَ فَعَفِرَ ، یا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ ، یا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ ، یا

که نافرمانی شد و آمرزید، ای آنکه اندیشه‌ها او را فرا نگیرد، ای آن که دیده‌ای او را در نیابد، ای آن

مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اَثَرُهُ ، یا رَازِقَ الْبَشَرِ ، یا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ .

که اثری بر او پوشیده نماند، ای روزی دهنده آدمیان، ای اندازه دهنده هر اندازه.

﴿۸۹﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسْمِكَ ، یا حَافِظُ یا بَارِئُ ، یا ذَارِئُ یا

(۸۹) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای نگهدار، ای آفریننده، ای پدید آورنده،

بَاذِخُ ، یا فَارِجُ یا فَاتِحُ ، یا کَاشِفُ یا ضَامِنُ ، یا اَمِرُ یا نَاهِي . ﴿۹۰﴾

ای بسیار بخشنده، ای گشایشگر، ای فراخی بخش، ای برگیرنده زیان، ای ضمانت کننده، ای فرمان ده، ای بازدارنده. (۹۰)

یا مَنْ لَا یَعْلَمُ الْغَيْبَ اِلَّا هُوَ ، یا مَنْ لَا یَصْرِفُ السَّوْءَ اِلَّا هُوَ ،

ای آن که جز او غیب نداند، ای آن که برنگرداند بدی را جز او،

یا مَنْ لَا یَخْلُقُ الْخَلْقَ اِلَّا هُوَ ، یا مَنْ لَا یَغْفِرُ الذَّنْبَ اِلَّا هُوَ ، یا

ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند، ای آن که گناه را جز او نیامزد، ای

مَنْ لَا یُتِمُّ النِّعْمَةَ اِلَّا هُوَ ، یا مَنْ لَا یُقَلِّبُ الْقُلُوبَ اِلَّا هُوَ ، یا

ای آن که نعمت را جز او کامل نکند، ای آن که دلها را جز او دگرگون نکند، ای

دُعای جوشن کبیر

مَنْ لَا يُدِيرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ

آن که کارها را جز او تدبیر ننماید، ای آن که باران را جز او فرو نیارد، ای آن که

لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ. ﴿٩١﴾ يَا

روزی را جز او نگستراند، ای آن که مردگان را جز او زنده نسازد. (۹۱) ای

مُعِينِ الضُّعَفَاءِ، يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ، يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ، يَا

یاور ضعیفان، ای همراه غریبان، ای یار دوستان، ای چیره

قَاهِرِ الْأَعْدَاءِ، يَا رَافِعَ السَّمَاءِ، يَا أَنْيَسَ الْأَصْفِيَاءِ، يَا حَبِيبَ

بر دشمنان، ای بالا برنده آسمان، ای مونس بر گزیدگان، ای محبوب

الْأَتَقِيَاءِ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ، يَا أَكْرَمَ

پروا پیشگان، ای گنجینه تهیدستان، ای معبود توانگران، ای کریم ترین

الْكُرَمَاءِ. ﴿٩٢﴾ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، يَا

کربمان. (۹۲) ای کفایت کننده از هر چیز، ای پاینده بر هر چیز، ای

مَنْ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ

آن که چیزی مانند او نیست، ای آن که چیزی بر فرمانروایی اش نیفزاید، ای آن

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ

که چیزی بر او پوشیده نیست، ای آن که چیزی از خزانه هایش نکاهد، ای آن

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ هُوَ

که مانندش کسی نیست، ای آن که چیزی از علمش پنهان نماند، ای آن که به

خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ. ﴿٩٣﴾

همه چیز آگاه است، ای آن که همه رحمتش همه چیز را فرا گرفته است. (۹۳)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسَمِیْكَ، يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِیْ،

خدا یا! از تو درخواست می کنم به نامت ای اکرام کننده، ای روزی بخش ای نعمت دهنده، ای عطابخش،

يَا مُغْنِیْ يَا مُقْنِیْ، يَا مُفْنِیْ يَا مُحْیِیْ، يَا مُرْضِیْ يَا مُنْجِیْ. ﴿٩٤﴾

ای بی نیاز کننده، ای ذخیره گذار، ای نابود کننده، ای زنده ساز، ای خشود کننده، ای رهایی بخش. (۹۴)

يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ، يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكَهُ، يَا رَبَّ كُلِّ

ای آغاز و انجام هر چیز، ای پرستیده و دارنده هر چیز، ای پروردگار

دُعای جوشن کبیر

شَيْءٍ وَصَانِعَهُ، يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ، يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ

و سازنده هر چیز، ای آفریننده ای برآورنده هر چیز، ای گیرنده

وَبَاسِطَهُ، يَا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ، يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ

و گشاینده هر چیز، ای آغاز کننده هر چیز، ای پدیدآورنده

وَمُقَدِّرَهُ، يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحَوِّلَهُ، يَا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْءٍ

و اندازه بخش هر چیز، ای هستی بخش و جنباننده هر چیز، ای زنده کننده

وَمُيْتَهُ، يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ. ﴿٩٥﴾ يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ

و میراننده هر چیز، ای آفریننده و میراث بر هر چیز (۹۵) ای بهترین یاد کننده

وَمَذْكُورٍ، يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ، يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ،

و یاد شده، ای بهترین ثنا پذیر و ثنا شده، ای بهترین ستاینده و ستوده،

يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ، يَا خَيْرَ مُجِيبٍ

ای بهترین گواه و گواه پذیر، ای بهترین خواهنده و خوانده شده، ای بهترین پاسخ دهنده

وَمُجَابٍ، يَا خَيْرَ مُوْنِسٍ وَأَنْيَسٍ، يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ،

و پاسخ داده شده، ای بهترین یار و همدم، ای بهترین همراه و همنشین،

يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ، يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ. ﴿٩٦﴾

ای بهترین سویه و آهنگ، ای بهترین دوستدار و دوستی پذیر. (۹۶)

يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ،

ای آن که به خواهنده اش پاسخ گوید، ای آن که برای فرمانبرش دوست است،

يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحَفَّظَهُ

ای آن که به دوستدارش نزدیک است، ای آن که برای کسی که از او نگهداری طلبد دیده بان است،

رَقِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ،

ای آن که به هر که به او امید بندد کریم است، ای آن که بر هر که از او نافرمانی کند بردبار است،

يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ، يَا مَنْ

ای آن که در بزرگی اش مهربان است، ای آن که در فرزاندگی اش بزرگ است، ای آن که

هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ عَلِيمٌ. ﴿٩٧﴾ اَللّٰهُمَّ

در نیکی اش دیرینه است، ای آن که به هر که او را خواهد دانای است. (۹۷) خدایا!

دُعای جوشن کبیر

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ، يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغِّبُ، يَا مُقَلِّبُ يَا مُعَقِّبُ،

از تو درخواست می‌کنم به نامت ای سبب‌ساز، ای شوق‌آفرین، ای برگرداننده، ای پیگیر،

يَا مُرَتِّبُ يَا مُخَوِّفُ، يَا مُحَذِّرُ يَا مُذَكِّرُ، يَا مُسَخِّرُ يَا مُغَيِّرُ. ﴿٩٨﴾

ای سامان‌بخش، ای هراس‌آور، ای برحذردار، ای یادآور، ای تسخیرگر، ای دگرگون‌ساز. (۹۸)

يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقُ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقُ، يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرُ،

ای آن‌که علمش پیش است، ای آن‌که وعده‌اش راست است، ای آن‌که لطفش آشکار است،

يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبُ، يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمُ، يَا مَنْ قَضَائِهِ كَائِنُ،

ای آن‌که فرمانش چیره است، ای آن‌که کتابش استوار است، ای آن‌که حکمش شدنی است،

يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدُ، يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمُ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمُ،

ای آن‌که قرآنش باشکوه است، ای آن‌که فرمانروایی‌اش دیرین است، ای آن‌که بخششش فراگیر است،

يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمُ. ﴿٩٩﴾ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ،

ای آن‌که پایگاهش بس بزرگ است. (۹۹) ای آن‌که شنیدنی از شنیدن دیگر بازش ندارد،

يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، يَا مَنْ لَا يُلْهِمُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ،

ای آن‌که کاری از کار دیگر منعش نکند، ای آن‌که گفتاری از گفتار دیگر سرگرمش نکند،

يَا مَنْ لَا يُغْلَطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ، يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ

ای آن‌که درخواستی از درخواست دیگر او را به اشتباه نیافکند، ای آن‌که چیزی از

شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِنَ، يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادٍ

چیز دیگر پرده‌اش نشود، ای آن‌که اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، ای آن‌که آرمان

الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى

واپسین جویندگان است، ای آن‌که نهایت همت عارفان است، ای آن‌که پایان جستجوی

طَلَبِ الطَّالِبِينَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ. ﴿١٠٠﴾

جویندگان است، ای آن‌که غباری در سراسر هستی بر او پوشیده نیست. (۱۰۰)

يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ، يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ، يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ، يَا وَهَّابًا

ای بردباری که شتاب نکند، ای بخشنده‌ای که بخل نوزد، ای راستگوی که تخلف نکند، ای عطاکننده‌ای

لَا يَمَلُّ، يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ، يَا عَظِيمًا لَا يَوْصَفُ، يَا عَدْلًا

که خستگی نپذیرد، ای چیره‌ای که شکست‌ناپذیر است، ای بزرگی که به وصف در نیاید، ای دادگری

دُعای جوشن کبیر

لَا يَحِيفُ، يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ، يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ، يَا حَافِظًا

که ستم ننماید، ای توانگری که نیازمند نشود، ای بزرگی که کوچک نگردد، ای نگهداری

لَا يَغْفُلُ؛ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ الْغَوْثَ الْغَوْثَ! خَلِّصْنَا

که غفلت ننماید. منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس، فریادرس، ما را

مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ.

از آتش رهایی بخش پروردگارا.

دُعای جوشن صغیر

دُعای جوشن صغیر

این دعا در کتابهای معتبر به شرحی گسترده‌تر از شرح جوشن کبیر نقل شده ، و کفعمی در حاشیه کتاب «بلد الامین» فرموده که این دعا دعایی است بس بلند و پُر ارج و هنگامی که هادی عبّاسی کشتن حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام را قصد کرد آن حضرت این دعا را خواند در نتیجه جدّش رسول خدا ﷺ را در خواب دید که به ایشان فرمود: حق تعالی دشمن تو را هلاک خواهد کرد.

این دعا در کتاب «مہج الدعوات» سیّد ابن طاووس نیز نقل شده ولی بین نسخه کفعمی و سیّد اختلاف وجود دارد که ما آن را موافق کتاب «بلد الامین» نقل می‌کنیم. و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

إِلٰهِي، كَمْ مِنْ عَدُوٍّ اِنْتَضَىٰ عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ

خدا یا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را به روی من کشید، و لبه تیغش را بر من

مِدْيَتِهِ، وَارْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ، وَسَدَّدَ

تیز کرد، و باریک نمود دم برنده اسلحه‌اش را و زهرهای کشنده‌اش را برای من درهم آمیخت و تیرهای

إِلَيَّ صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ،

بی خطایش را به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانش از من به خواب نرفت

وَاضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجَرِّعَنِي ذُعَافَ مَرَارَتِهِ؛

و نهانی بر آن است تا مرا در معرض امور ناخوشایند قرار دهد، و به من بچشاند زهر جگر سوزش را،

فَنَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنْ اِحْتِمَالِ الْفَوَاحِ، وَ عَجَزِي عَنْ

خدایا به ناتوانی من نگرستی که تاب حوادث بزرگ را ندارم، و درماندگی ام

الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ

را از انتقام گرفتن از آن که با ستیزه جویی اش قصد من کرده دیدی، و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده

ناوانی، وَ أَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أُعْمِلْ فِكْرِي، فِي الْإِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ،

نموده اند، و در کمین من نشستند مشاهده کردی و در آنچه که اندیشه ام را علیه آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم،

فَأَيَّدَتْنِي بِقُوَّتِكَ، وَ شَدَّدْتَ أَزْرِي بِنُصْرَتِكَ، وَ فَلَلْتُ لِي حَدَّهُ

پس مرا به نیرویت تأیید کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی، و تیغ او را به نفع من

[شَبَّاحِدِهِ]، وَ خَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَ حَشْدِهِ، وَ أَعْلَيْتَ

کند کردی، و او را پس از جمع آوری نفرات و تجهیزانش خوار نمودی، و مقام و جایگاه مرا

كَعْبِي عَلَيْهِ، وَ وَجَّهْتَ مَا سَدَدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ،

بر او برتری دادی، و آنچه را از نیرنگهایش به جانب من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگرداندی

وَ رَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَ لَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ،

و علیه او به کار بستی، ولی عطش کینه اش فرو ننشست، و سوزش دل برآمده از خشمش سرد نشد

وَ قَدْ عَصَّ عَلَى أَنْامِلِهِ، وَ أَدْبَرَ مُوَلِّيًّا قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ؛ فَلَاكَ

در حالی که از غیظش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد، پس تو را

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

سپاس ای پروردگار از توانایی ات که شکست نمیبرد، و بردباری ات که شتاب نمیبرد، بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

و خاندان محمد درود فرست و مرا در برابر نعمتهایت از شاكران

وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي، وَ كَمِ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ،

و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار ده، خدایا چه بسیار متجاوزی که با نیرنگهایش به من ستم کرد،

وَ نَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ، وَ ضَبَّأَ

و دامهای شکار گیرش را در راهم نهاد، و توجه جستجوگرانه اش را بر من گماشت،

إِلَّا ضَبَّ السَّبُعُ لِطَرِيدَتِهِ ، اِنْتَظَارًا لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ ، وَهُوَ

و در کمین من نشست همچون کمین گذاردن درنده‌ای برای شکار خویش برای

يُظْهِرُ بَشَاشَةَ الْمَلِكِ ، وَ يَبْسُطُ [لِي] وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ ، فَلَمَّا

به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که خوشرویی چاپلوسانه نشان داده و به سختی گشاده‌رویی

رَأَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتِهِ ، وَقُبِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ ،

می‌نمود پس چون حيله‌گری نهادش، و زشتی پندار نهفته‌اش را آن هم بر زبان هم‌کیشش مشاهده نمودی درحالی که

وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي فِي بَغِيهِ ، أَرْكَسَتْهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ ، وَآتَيْتَ بُنْيَانَهُ

سپیده می‌کرد به امید آنکه در ستمش بر من هجوم آورد پس تو او را سرنگون ساختی و ریشه‌اش را

مِنْ أَسَاسِهِ ، فَصَرَعْتَهُ فِي زُبَيْتِهِ ، وَآرَدَيْتَهُ فِي مَهْوِيْ

از بیخ‌وبین برکندی، و او را در چاهی که برای من کنده بود و در ژرفای

حُفْرَتِهِ ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ ، وَشَغَلْتَهُ فِي

گودالش در انداختی، و گونه‌اش را همپای خاک پایش قرار دادی، و او را به

بَدَنِهِ وَرَزَقَهُ ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ ، وَذَكَّيْتَهُ

تن و روزی‌اش سرگرم کردی، و او را با سنگ خودش زدی، و بازه کمان خودش خفه‌اش نمودی و با سر

بِمَشَاقِصِهِ ، وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ ،

نیزه‌های خودش هلاک کردی و به رو به خاک مذلت انداختی، و حيله‌اش

وَرَبَقْتَهُ (وَوَثَقْتَهُ) بِبِنْدَامَتِهِ ، وَفَسَّاتَهُ (أَفْنَيْتَهُ) بِحَسْرَتِهِ ،

را به گردنش برگرداندی و به بند پشیمانی گرفتارش کردی، و به سبب حسرتش

فَاسْتَخَذَا وَتَضَاعَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ ، وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ، ذَلِيلًا

به باد فنایش دادی، از این‌رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک گشت، و به دنبال گردن فرازی‌اش خوار

مَأْسُورًا فِي رِبْقِ حَبَالَتِهِ (حَبَائِلِهِ) ، الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

و کوبیده شد، و در بند دامی که روز گردن‌کشی‌اش آرزو داشت مراد در میان آن ببیند اسیر شد،

يَوْمَ سَطَوْتِهِ ، وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ ، لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا

و چه نزدیک بود پروردگارا اگر رحمت نبود بر من فرود آید، آنچه که دامن زندگی

حَلَّ بِسَاحَتِهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي

او را فرا گرفت، پس تو را سپاس پروردگارا که توانای شکست‌ناپذیری، و برده‌بار

دُعای جوشن صنیر

أَنَاةٌ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ

بدون شتابی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت

مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَ لِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ

از شاكران و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده، خدايا چه بسيار

مِنْ حَاسِدٍ شَرِيقٍ بِحَسَدِهِ ، وَ عَدُوٍّ شَجِيٍّ بِغَيْظِهِ ، وَ سَلَقْنِي

حسودی که از روی حسرت برافروخته گشت و دشمنی که بسبب خشمش به سختی اندوهناک شد،

بِحَدِّ لِسَانِهِ ، وَ وَخَزَفٍ بِمَوْقِ عَيْنِهِ ، وَ جَعَلْنِي غَرَضًا (وَ جَعَلَ

و مرا با نیش زبانش از رده ساخت و مژگانش را چون نیزه‌ای به بدنم فرو برد، و مرا هدف

عِرْضِي) لِمُرَامِيهِ ، وَقَلَّدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ ، نَادِيْتُكَ يَا رَبِّ

تیرهای سرزنش نمود، و کاستیهایی را به گردنم انداخت که در خود اوست، پروردگارا

مُسْتَجِيرًا بِكَ ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ اجَابَتِكَ ، مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ

پناه‌جویانه تو را خواندم، درحالی که اطمینان به سرعت اجابت تو داشتم، توکل کنان به آنچه همواره

أَتَعَرَّفُكَ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ ، عَلِمَاءُ أَنتَ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى

از خوبی دفاعت می‌دانستم، با آگاهی به اینکه هر که رخت به سایه حمایتت کشد مورد آزار واقع نگردد،

ظِلِّ كَنْفِكَ ، وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ (الْفَوَادِحُ) مِنْ لَجَأٍ إِلَى

و کسی که به قلعه مددجویی تو پناه آورد هرگز حوادث (فروغها) روزگار او را درهم نکوبد،

مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ ؛ فَلَاكَ

پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی، پس تو را

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى

سپاس ای پروردگار که توانای شکست‌ناپذیری و بردباری که هرگز شتاب نکنی،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاكران

و لِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ مِنْ سَحَائِبٍ مَكْرُوهٍ

و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده، خدايا چه بسيار ابرهای ناملايمات که از فضای زندگي‌ام

جَلَّتِيهَا ، وَ سَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرَتَهَا ، وَ جَدَاوِلٍ كَرَامَةٍ أَجَرَتَهَا ، وَ أَعْيُنٍ

زدودی، و آسمان نعمتی که بر من بارانیدی و نهرهای کرامتی که به سوی من روان ساختی، و چشمه‌های

أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا ، وَنَاشِئَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا ، وَجُنَّةٍ عَافِيَةٍ

حوادثی که محو نمودی و نهال رحمتی که گستردی و زره عافیتی

الْبَسَتْهَا ، وَغَوَامِرٍ كُفُّبَاتٍ كَشَفَتْهَا ، وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرَتْهَا ،

که بر من پوشاندی، و گردابه‌های گرفتاری که برطرف کردی، و امور جاریه‌ای که مقدر فرمودی، آنگاه که این امور را

لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا ، وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ

خواستی درمانده‌ات نکردند و هر زمان که آنها را اراده فرمودی از فرمانبرداری خودداری ننمودند، پس تو را سپاس ای

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

پروردگار که توانای شکست‌ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلَا لِآثَاكَ مِنَ

محمد درود فرست و مرا به نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از

الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ ، وَمِنْ كَسْرِ

ذاکران قرار بده، خدایا چه بسیار گمان نیکی که جامه عمل پوشاندی و شکست نداری

إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ ، وَمِنْ صَرَعَةٍ

را که جبران نمودی، و بی‌چیزی توان فرسایی و بی‌چیزی که از من گرداندی و سقوط

مُهِلِكَةٍ نَعَشْتَ ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا

هلاکت‌باری که بلندم کردی، و دشواری که آسان نمودی و تو بازخواست نشوی

تَفَعَّلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ، وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ ، وَلَقَدْ سَأَلْتُ

از آنچه انجام می‌دهی و دیگران بازخواست شوند، و از آنچه خرج می‌کنی چیزی کاسته نشود،

فَاعْطَيْتَ ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ ، وَ اسْتُمِيعَ بَابُ فَضْلِكَ

هر آینه از تو درخواست شد حالی عطا کردی و درخواست نشد پس آغاز در عطا و از پیشگاه فضلت درخواست

فَمَا أَكْدَيْتَ ، أَبَيْتَ إِلَّا إِنْعَامًا وَامْتِنَانًا ، وَ إِلَّا تَطَوُّلاً يَا رَبِّ

احسان شد و تو منع نمودی و ابا نمودی مگر از نعمت‌بخشی و اصرار بر رساندن عطا و فزون‌بخشی و احسان

وَإِحْسَانًا ، وَ أَبَيْتُ [يَا رَبِّ] إِلَّا أَنْتَهَاكَ الْحُرْمَاتِكَ ، وَ اجْتَرَأُ

ای پروردگار و من هم خودداری نمودم مگر از شکستن احترام محرمات، و جسارت

عَلَى مَعَاصِيكَ ، وَتَعَدِّيَا لِحُدُودِكَ ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ ،

بر گناهانت، و تجاوز از قوانینت، و غفلت از تهدیدت،

دُعای جوشن صنیر

وَطَاعَةً لِّعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ ، لَمْ يَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي إِخْلَالِي

و فرمانبری از دشمنم و دشمنت، ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در

بِالشُّكْرِ ، عَنْ اِتِّمَامِ احْسَانِكَ ، وَلَا حَزَنَ زَنِي ذَلِكَ عَنْ ارْتِكَابِ

سپاسگزاریات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت، و این چشم پوشی و بزرگواری مرا از انجام کارهای مورد

مَسَاخِطِكَ . اَللّهُمَّ وَ هَذَا (فَهَذَا) مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ

خشمت مانع نشد. خدایا این است جایگاه بنده خواری که برای تو به یگانگی

لَكَ بِالتَّوْحِيدِ ، وَأَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ ،

اقرار کرد، و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو، و گواهی

وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ ، وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ ،

داد برای تو به کمال نعمتت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او و

وَ احْسَانِكَ إِلَيْهِ ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ ،

احسانت بر او، پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از فضلت

مَا أُرِيدُهُ [سَبَبًا] إِلَى رَحْمَتِكَ ، وَ اتَّخِذْهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى

آنچه را که در راه رسیدن به رحمت می خواهم تا نردبانش قرار دهم که از آن به

مَرْضَاتِكَ ، وَ آمَنْ بِهُ مِنْ سَخَطِكَ بِعِزَّتِكَ وَ طَوْلِكَ ، وَ بِحَقِّ

سوی خشنودیت، بالا روم، و با آن از خشمت امان یابم، به حق عزّت و عطای همیشگی ات و به حق

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، پس تو را سپاس ای پروردگار که

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

توانای شکست ناپذیری، و بردباری که شتاب نوری، درود فرست بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ ، وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَ لَا لَأَنَّكَ مِنْ

محمد و مرا بر نعمتهایت از شاكران و در برابر عطاهايت از

الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي كَرْبِ

ذاكران قرار بده. خدایا چه بسیار بنده ای که شامگاهان و صبحگاهان

الْمَوْتِ ، وَ حَشْرَجَةِ الصِّدْرِ ، وَ النَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعُرُ مِنْهُ

نمود در سختی مرگ و به شدت و تنگی نفس زنان، و با نگاه به آنچه که بدنهای از دیدنش

دُعای جوشن صغیر

الْجُلُودُ ، وَ تَفَزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ ، وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

می لرزد، و دلها از آن بی تاب می شود و من از همه اینها در عافیت و سلامتی

كُلِّهِ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَ ذِي أَنَاةٍ

هستم، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری، و بردباری که

لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

شتاب نوری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از

الشَّاكِرِينَ ، وَ لَا إِلَافَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ

شاكران و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده. خدای من چه بسا بندهای که به

أَمْسَى وَ أَصْبَحَ سَقِيًّا مَوْجِعًا ، فِي أَنَّةٍ وَ عَوِيلٍ ، يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ

شامگاهان و صبحگاهان در آمد بیمار و دردمند، در ناله و فریاد، در اندوهش به خود می پیچید

لَا يَجِدُ مَحِيصًا ، وَ لَا يُسَيِّغُ طَعَامًا وَ لَا [يَسْتَعِذُّ] شَرَابًا ، وَ أَنَا

و راه گریزی نمی یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمی خورد، و من

فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ ؛

در تندرستی و سلامت زندگی هستم، همه اینها از توست،

فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ،

پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شگست ناپذیر، و بردباری که شتاب نوری،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاكران

وَ لَا إِلَافَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده. خدایا چه بسیار بندهای که به شامگاهان

وَ أَصْبَحَ خَائِفًا مَرْعُوبًا ، مُشْفِقًا وَجِلًّا ، هَارِبًا طَرِيدًا ، مُنْجَرًّا

و صبحگاهان در آمد ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک،

فِي مَضِيقٍ ، وَ مَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخَابِئِ ، قَدْ ضَاقتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ

فراری و رانده شده، خرابه نشین در تنگنا و مخفی گاهی از مخفی گاهها که زمین

بِرُحْبِهَا ، لَا يَجِدُ حِيلَةً وَ لَا مَنَجًى وَ لَا مَأْوًى ، وَ أَنَا فِي أَمْنٍ

با فراخی اش بر او تنگ شد چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی یابد، و من از همه اینها در امنیت

دُعای جوشن صنیر

وَطُمَأْنِينَةٍ ، وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

و آرامش و سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

توانمند شکست ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد

مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلَا لِأَثَمِكَ مِنْ

درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از

الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي وَسَيِّدِي ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ

ذاکران قرار بده، خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد

مَغْلُولًا مُكَبَّلًا فِي الْحَدِيدِ ، بِأَيْدِي الْعُدَاةِ لَا يَرْحَمُونَهُ ، فَقِيدًا

درآمد بسته به زنجیر، پیچیده در آهن آن هم به دست دشمنانش که به او رحم نورزند،

مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ ، يَتَوَقَّعُ كُلُّ سَاعَةٍ

دور مانده از زن و فرزند، بریده از برادران و شهر خویش، هر لحظه انتظار دارد

بِأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ ، وَبِأَيِّ مُثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

که چگونه کشته خواهد شد، و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، و من از همه اینها در سلامت

كُلِّهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي آنَاةٍ

کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که

لَا يَعْجَلُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از

الشَّاكِرِينَ ، وَلَا لِأَثَمِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

شاکران، و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، خدای من و چه بسیار بنده ای

أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي الْحَرْبَ ، وَمُبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ ، قَدْ

که به شامگاه و صبحگاه درآمد، در حالی که سختی جنگ و پیکار را با جاننش تحمل می کند،

غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ، بِالسُّيُوفِ وَالرِّمَاحِ وَآلَةٍ

و دشمنان از هر جانب او را با شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگ و در محاصره

الْحَرْبِ ، يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ ، قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ ، لَا يَعْرِفُ حِيلَةً

آورده اند، در میان آهن تلاش می کند، نهایت کوشش را بکار گرفته، راه چاره ای نمی یابد،

وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا ، قَدْ أُدِنَ بِالْجِرَاحَاتِ ، أَوْ مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ ،

و گریزگاهی نمی یابد، از سختی جراحات بیمار شده، یا در خون خویش

تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْأَرْجُلِ ، يَتَمَنَّى شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ ، أَوْ نَظْرَةً

زیر سمها و لگدها غلطان گشته، جرعه آبی را آرزو می کند، یا یک نگاه

إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ ، [وَأَنَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

به اهل و فرزندش را متمنا می نماید، اما توانی بر آن ندارد، و من از همه اینها در سلامت

كُلِّهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي أَنَاةٍ

کاملم، تو را پس سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب

لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از

الشَّاكِرِينَ ، وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده. خدای من و چه بسیار بندهای

أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحَارِ ، وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ

که به شامگاه و صبحگاه در آید، در تاریکی های دریاها و تندبادهای و در دل هراسها

وَالْأَمْوَاجِ ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ ، لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ ،

و امواج در حالی انتظار غرق شدن و هلاکت را می کشد و توان چاره اندیشی ندارد،

أَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ ، أَوْ هَدِمَ أَوْ حَرِقَ ، أَوْ شَرِقَ أَوْ خَسَفَ ،

یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین

أَوْ مَسَخَ أَوْ قَذِفَ ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

یا مسخ شدن یا آتھام به امر نامشروع است و من از همه اینها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى

پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ،

محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران

وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ . إِلَهِي ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده. خدای من چه بسیار بندهای که به شامگاه

وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا، شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفَاوِزِ،

و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و فرزندان، سرگردان در بیشه‌های خشک،

تَائِبًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهُوَامِ، وَحِيدًا فَرِيدًا، لَا يَعْرِفُ

سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی‌یاور و تنها،

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ (و) مُتَّذِيًا بِبَرْدِ أَوْ حَرِّ، أَوْ جَوْعِ

چاره‌ای نمی‌یابد، و به راهی رهنمون نمی‌گردد، یا در آزار است از سرمای سرد یا گرمایی

أَوْ عُرْيٍ، أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلَوٌ، فِي عَافِيَةٍ

سوزان، یا دچار گرسنگی یا برهنگی یا غیر اینها از سختیها و گرفتاریهایی که من از آنها در امانم و در سلامتی

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

کامل از همه اینها بسر میبرم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر، و پردباری

أَنَانَةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ

که شتاب نوری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ

از شاكران و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده. خدای من و آقای من و چه بسیار

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا، عَارِيًا مُمْلِقًا، مُخْفِقًا

بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد در حالی که تهیدست، بی چیز، عریان، نیازمند،

مَهْجُورًا، جَائِعًا ظَمْآنَ، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ،

پریشان، دچار هجران، گرسنه، تشنه است و انتظار می‌برد که چه کسی به او احسان می‌کند، یا چه بسا

أَوْ عَبْدٍ وَجِيهِ عِنْدَكَ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ، وَأَشَدُّ عِبَادَةً

بنده آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است،

لَكَ، مَغْلُولًا مَقْهُورًا، قَدْ حُمِّلَ ثِقَلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ، وَشِدَّةِ

و در عین حال دچار غل و زنجیر و اسیر دست ستمگر است، بار سنگینی از خستگی و رنج و سختی بیگاری

الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقَلِ الضَّرِيبَةِ، أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ

و دشواری بردگی و پرداخت وجه سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است، یا شخصی که به بلای سختی گرفتار

شَدِيدٍ، لَا قَبْلَ لَهُ إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى

آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد، اما من مورد احترام دیگران، و در نعمت و تندرستی‌ام،

الْمُكْرَّمُ، فِي عَافِيَةٍ مِّمَّا هُوَ فِيهِ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ،

و گرامی ام داشته‌اند، از آنچه آن در مانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم، پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

من بخشیدی ای توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَا إِلَيْكَ مِنْ

محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌های از شاکران، و در برابر عطاهایت از

الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيًّا

ذاکران قرار بده. خدای من و آقای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد در حالی که علیل،

مَرِيضًا، سَقِيمًا مُدْنِفًا، عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا، يَتَقَلَّبُ يَمِينًا

دردمند، بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده، و از درد به راست

وَشِمَالًا، لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ، وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ،

و چپ می‌غلطد و چیزی از لذت خوراکی و آشامیدنی را درک نمی‌کند،

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا

با حسرت به خود می‌نگرد ولی بر دفع زیان و جلب نفعی توان ندارد، و من

خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ؛ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

در سایه جود و کرم از همه اینها در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست،

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

که توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنْ

و خاندان محمد درود فرست، و مرا از عبادت‌کنندگان قرار بده و بر نعمت‌های از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَا إِلَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ

شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، و به من مهر ورز به حق رحمت

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

ای مهربان‌ترین مهربانان. مولایم و سرورم، و چه بسا بنده‌ای که به شامگاه

وَأَصْبَحَ وَقَدْ دَنَا يَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَأَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي

و صبحگاه درآمد در حالی که به مرگ نزدیک شده، و فرشته مرگ در

أَعْوَانِهِ ، يُعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ ، تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا

میان یارانش او را محاصره کرده است، در جستجوی درمانی برای سختیهای جان دادن و گردابه‌های آن است، چشمانش به

وَشِمَالًا ، يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْدَائِهِ وَأَخْلَائِهِ ، قَدْ مُنِعَ مِنْ

راست و چپ می‌چرخد، به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی‌اش می‌نگرد، از

الْكَلَامِ ، وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً ،

گفتار بازداشته، و از خطاب محروم گشته و از روی حسرت بر خود می‌نگرد،

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ

بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد، و من از همه اینها به جود و کرم‌ت در آرامش

وَكَرَمِكَ ؛ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ؛ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ،

هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست‌ناپذیر و بردباری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي

که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلَا أَلَايِكَ مِنَ الْذَاكِرِينَ ، وَارْحَمْنِي

نعمت‌های از شاکران و در برابر عطا‌هایت از ذاکران قرار بده، و به حق مهرت بر من

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . مَوْلَايَ وَسَيِّدِي ، وَكَمَ مِنْ عَبْدٍ

مهرورز ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من و آقای من، چه بسیار بنده‌ای

أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ ، وَكَرَّهَا وَذَلَّهَا

که به شامگاه و صبحگاه درآمد در حالی که در تنگناهای زندانها و محبسها و با ناراحتی و خواری

وَحَدِيدِهَا ، يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَزَبَانِيُّهَا ، فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ

و در غل و زنجیر به سر می‌برد، و زندانبانها و دژخیمان او را دست به دست میگردانند. پس نمی‌داند با او

يُفَعَّلُ بِهِ ، وَأَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ ، فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ ،

چگونه رفتار خواهد شد، و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، پس او در زندگانی

وَضْنِكَ مِنَ الْحَيَاةِ ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً ، لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا

در بد حالی سخت است، و در نهایت تنگی و سختی است، با حسرت به خود می‌نگرد،

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ؛

بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد، و من به جود و کرم‌ت از همه اینها در امان هستم،

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ؛ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ ، وَذِي أَنْاءٍ

پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست‌ناپذیر، و بردباری که

لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنْ

شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از

الْعَابِدِينَ ، وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلَا لَأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ ،

عبادت‌کنندگان خویش، و بر نعمت‌هایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، وَكَمْ

قرار بده و به حق مهرت بر من مهر آری مهربان‌ترین مهربانان . آقای من و مولای من، چه

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ ، وَأَحْدَقَ بِهِ

بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد در حالی که سر نوشتش با سختی گره خورده،

الْبَلَاءُ ، وَفَارَقَ أَوْدَاءَهُ وَأَحِبَّاءَهُ وَأَخِلَّاءَهُ ، وَأَمْسَى أَسِيرًا

و گرفتاری او را محاصره کرده، و از دوستان و محبوبان و یاران صمیمی

حَقِيرًا ذَلِيلًا ، فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ ، يَتَدَاوَلُونَهُ يَمِينًا

جدا افتاده است، شام کرد در حال اسارت، حقارت، خواری در دست کافران و دشمنان، او را دست‌به‌دست به راست

وَشِمَالًا ، قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ ، وَثُقِّلَ بِالْحَدِيدِ ، لَا يَرَى شَيْئًا

و چپ می‌گردانند، در سیاه‌چال‌ها زندانی شده و با غل و زنجیر سنگین گشته،

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً ،

از روشنی دنیا و نسیمش چیزی نمی‌بیند، با حسرت به خود می‌نگرد،

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد و من از همه اینها به

بَجُودِكَ وَكَرَمِكَ ؛ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ؛ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ

جود و کرم‌ت در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای

لَا يُغْلَبُ ، وَذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ ، وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ،

و مرا از عبادت‌کنندگان خویش، و بر نعمت‌هایت از شاکران

وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، به حق مهت بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان،

وَعَزَّتْكَ يَا كَرِيمٌ لَا طَلْبُنَّ مِمَّا لَدَيْكَ، وَلَا حِجْنَ عَلَيْكَ (وَلَا حِجْنَ)

و به حق عزت ای کریم هر آینه از تو درخواست می کنم آنچه از عطایا را که نزد تو است

إِلَيْكَ)، وَلَا مُدَنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ . يَا رَبِّ فَبِمَنْ

و در این باره بر تو اصرار می ورزم، و دستم را با جرمی که نسبت به تو دارد، به جانب آستانت دراز می کنم، پس به

أَعُوذُ؟ وَبِمَنْ أَلُوذُ؟ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ! أَفْتَرَدْنِي، وَأَنْتَ مُعَوَّلِي،

که پناه ببرم؟ و به که رو کنم؟ کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از درگاهت میرانی در حالی که تنها تو تکیه گاه

وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي؟! أَسَأَلُكَ بِسَمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ

منی و تو کلم تنها بر تو است، از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان

فَاسْتَقَلَّتْ، وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ،

نهادی بابر جا شد و چون بر زمین گذاردی آرام گرفت و چون بر کوهها گذاشتی استوار گشت

وَعَلَى اللَّيْلِ فَظَلَمَ، وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

و چون بر شب نهادی تاریک شد و چون بر روز قرار دادی روشنی گرفت، [خدای من] از تو می خواهم که بر محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا، وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي

و خاندان محمد درود فرستی و همه نیازهای مرا برآورده سازی، و همه گناهان

كُلَّهَا، صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ، مَا تُبَلِّغُنِي

کوچک و بزرگم را بیامرزی، و روزی ام را گسترده سازی، روزی ای که مرا با آن

بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . مَوْلَايَ بِكَ

به شرف دنیا و آخرت برسانی، ای مهربان ترین مهربانان، آقای من از تو

اسْتَعْنْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي، وَبِكَ

یاری خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا یاری ده و به تو

اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي، وَأَغْنِنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ،

پناه جستم پس پناه ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگانت بی نیاز کن،

وَبِمَسْأَلَتِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ، وَانْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ

و به خواهش خویش از خواهش خلق مستغنی ام گردان و از خواری تنگدستی به عزت

دُعای جوشن صغیر

الْغِنَى ، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ ، فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى

توانگری، و از ذلت گناه و از روی شایستگی من، به عزت طاعت دگرگون ساز، همانا تو مرا بر

كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ، جودًا مِنْكَ وَكَرَمًا ، لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي .

بسیاری از مردمان برتری دادی، نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و کرم،

إِلَهِي ، فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

خدای من تو را سپاس بر همه این عطاها، بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ، وَلَا لِآثِمِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ ،

و مرا قرار بده بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران.

[وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ] . سپس به سجده برو

و به من رحم کن به مهرت ای مهربانترین مهربانان

و بگو: سَجَدَ وَجْهِي الذَّلِيلُ ، لَوَجْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ ؛ سَجَدَ

سجده کرد روی خوارم برای ذات عزیز بزرگت، سجده کرد

وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي ، لَوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي ؛ سَجَدَ وَجْهِي

روی فرسوده فانی ام برای ذات همیشگی ماندگارت، سجده کرد روی پیوسته به

الْفَقِيرُ ، لَوَجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ ؛ سَجَدَ وَجْهِي وَسَمِعِي

تهیدستی ام برای ذات بی نیاز بزرگت، سجده کرد رویم و گوشم

وَبَصَرِي ، وَلَحْمِي وَدَمِي ، وَجِلْدِي وَعَظْمِي ، وَمَا أَقَلَّتْ

و چشمم و گوشتم و خونم و پوستم و استخوانم، و همه آنچه

الْأَرْضُ مِنِّي ، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ عُدْ عَلَى جَهْلِي بِحِلْمِكَ ،

زمین از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان. خدایا بر نادانی من به بردباری ات،

وَعَلَى فَقْرِي بِغِنَاكَ ، وَعَلَى ذُلِّي بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ ، وَعَلَى ضَعْفِي

و بر تهیدستی من به توانگری ات، و بر خواری من به عزت و سلطنتت، و بر ناتوانی

بِقُوَّتِكَ ، وَعَلَى خَوْفِي بِأَمْنِكَ ، وَعَلَى ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ

من به توانایی ات، و بر ترس من به ایمنی ات، و بر گناهان و خطاهای من به

بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ ؛ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي

گذشتت و رحمتت بنگر ای بخشنده مهربان. خدایا! من به مدد تو

دُعای سیفی صغیر

نَحْرِ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، فَكَفْنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ

سینه سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می آورم، پس مرا از گزند او کفایت کن

أَنْبِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ

بدانسان که کفایت کردی پیامبران و اولیا و بندگان شایستهات را از گزند فرعونها،

خَلْقِكَ، وَطُغَاةِ عُدَاتِكَ، وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا

و دشمنان سرکشت، و از شر همه و خلقت به مهرت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ وَحَسْبُنَا اللَّهُ

مهربان ترین مهربانان، همانا تو بر هر چیز توانایی، و خدا ما را بس است

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

و چه نیکو و کیلی است.

دُعای سیفی معروف به دعای قاموس

شیخ بزرگوار ثقة الاسلام نوری (عَظَّرَ اللَّهُ مَرْقَدَهُ) این دعا را در صحیفه ثانیه علویه ذکر کرده و فرموده: برای این دعا در کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات شرح عجیبی است و برای آن آثار شگفتی ذکر کرده اند و من چون اعتماد بر آن آثار نداشتم از ذکر آنها خودداری کردم، ولی اصل دعا را از باب مسامحه از روی اقتدا به علمای برجسته ذکر می کنم. و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

دُعای سیفی صغیر

رَبِّ ادْخُلْنِي فِي لُحَّةِ بَحْرِ أَحَدِيَّتِكَ ، وَطَمْطَامِ يَمِّ وَحَدَانِيَّتِكَ ،

پروردگارا مرا در ژرفای دریای یگانگی‌ات، و در میان اقیانوس یکتایی‌ات وارد ساز،

وَقَوِّنِي بِقُوَّةِ سَطْوَةِ سُلْطَانِ فِرْدَانِيَّتِكَ ، حَتَّى أَخْرُجَ إِلَى فِضَاءِ

و با نیروی چیرگی سلطنت تنهایی‌ات توانمند گردان تا به فضای بی‌کران

سَعَةِ رَحْمَتِكَ ، وَفِي وَجْهِ لَمَعَاتُ بَرَقِ الْقُرْبِ مِنْ آثَارِ

رحمت در آیم، در حالی که در چهره‌ام درخشد گیهای پرتو قرب از آثار

حَمَايَتِكَ ، مَهِيْبًا بِهَيْبَتِكَ ، غَزِيْرًا بِعِنَايَتِكَ ، مُتَجَلِّلًا مُكْرَمًا

حمایت فروزان باشد و به شوکت پرشکوه باشم، و به عنایت عزیز باشم، و به آموزش

بِتَعْلِيْمِكَ وَتَرْكِیَّتِكَ ، وَالْبَسْنِي خِلْعَ الْعِزَّةِ وَالْقَبُولِ ، وَسَهِّلْ

و پرورش بزرگ و بزرگوار باشم، خدایا خلعت‌های عزت و قبولی را بر من بپوشان، و برآیم

لِی مَنَاهِجِ الْوُصْلَةِ وَالْوُصُولِ ، وَتَوَجِّنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ

راههای پیوند و پیوستگی را هموار کن، و به تاج کرامت

وَالْوَقَارِ ، وَالْأَلْفَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَدَارِ الْقَرَارِ ،

و وقار تاجدارم نما، و میان من و شیفتگانت در دنیا و آخرت پیوند انداز،

وَارْزُقْنِي مِنْ نَوْرِ اسْمِكَ هَيْبَةً وَسَطْوَةً ، تَنْقَادُ لِي الْقُلُوبُ

و از نور نامت شوکت و قوتی به من عنایت کن که دلها و جانها

وَالْأَرْوَاحُ ، وَتَخَضَّعُ لَدَيَّ النُّفُوسُ وَالْأَشْبَاحُ ؛ يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ

مطیع من گردند، و نفوس و بدن‌ها نزد من فروتن شوند، ای آن که گردن

رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ ، وَخَضَعَتْ لَدَيْهِ أَعْنَاقُ الْآكَاسِرَةِ ، لَا مَلْجَأَ

گردنکشان برایش خوار گشته، و پادشاهان در پیشگاهش فروتن شده‌اند،

وَلَا مَنَجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، وَلَا إِعَانَةَ إِلَّا بِكَ ، وَلَا اتِّكَاءَ

پناهگاه و راه‌هایی از تو جز به تو نیست و کمکی نیست جز از تو، و تکیه‌گاهی نیست

إِلَّا عَلَيْكَ ، اِدْفَعْ عَنِّي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ ، وَظُلُمَاتِ شَرِّ الْمُعَانِدِينَ ،

جز بر تو، خدا یا! بداندیشی حسودان، و تیرگیهای شر دشمنان

وَارْحَمْنِي تَحْتَ سُرَادِقَاتِ عَرْشِكَ ؛ يَا أَكْرَمَ الْكَرَمِينَ ، أَيْدِ

را از من دور کن، و به من مهر ورز زیر سراپرده‌های عرش، ای گرامی‌ترین گرامیان،

دُعای سیفی صغیر

ظَاهِرِي فِي تَحْصِيلِ مَرَاضِيكَ، وَتَوَرِّ قَلْبِي وَسِرِّي بِالْإِطْلَاعِ

ظاهر هستی ام را در به دست آوردن خشنودیت تأیید کن، و قلب و نهادم را با آگاهی بر راههای رسیدن

عَلَى مَنَاجِجِ مَسَاعِيكَ. إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ عَنْ بَابِكَ بِخَبِيَّةٍ

به پیشگاهت روشن فرما. خدایا چگونه از در خانهات مایوس و ناامید بازگردم

مِنْكَ، وَقَدْ وَرَدْتُهِ عَلَى ثِقَةٍ بِكَ؟ وَكَيْفَ تُؤَيِّسُنِي (تَوْئِسُنِي)

درحالی که با اعتماد به تو وارد آن شدم، و چگونه

مِنْ عَطَائِكَ، وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ؟ وَهَا أَنَا مُقْبِلٌ عَلَيْكَ،

از عطایات ناامیدم می کنی درحالی که مرا به دعا در پیشگاهت فرمان دادی، اینک به تو

مُلْتَجِئٌ إِلَيْكَ، بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَعْدَائِي، كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ

روی آورده ام و از تو پناه می جویم بین من و دشمنانم دوری انداز، چنان که بین

أَعْدَائِي، اخْتِطَفَ أَبْصَارَهُمْ عَنِّي، بِنُورِ قُدْسِكَ وَجَلَالِ

دشمنانم دوری انداختی، به نور پاک و عظمت و بزرگواریات دیدگان

مَجْدِكَ؛ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، الْمُعْطَى جَلَائِلَ النِّعَمِ الْمُكْرَمَةِ، لِمَنْ

دشمنانم را از دیدن من نابینا کن، به یقین تو خدای عطابخش نعمتهای بزرگ و بالارزش

نَاجَاكَ بِلَطَائِفِ رَحْمَتِكَ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ

به بندگان نجواگر خویش هستی، که با لطائف رحمت تو را می خوانند، ای زنده، ای پاینده ای صاحب

وَالْإِكْرَامِ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ،

بزرگی و کرامت و درود خدا بر مولای ما و پیامبر ما محمد و بر خاندان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

پاک و پاکیزه اش همه و همه.

فصل هفتم

در بیان بعضی از آیات و دعاهاى مختصرى که سودمند هستند و من آنها را از کتابهای معتبر انتخاب کرده ام.

آیات اسم اعظم

اول: سید بزرگوار سید علی خان شیرازی (رضوان الله علیه) در کتاب کَلِم طَیْب نقل کرده که: اسم اعظم خدای تعالی اسمی است که شروع آن «الله» و پایانش «هو» می باشد و در حروف اسم اعظم نقطه ای نیست و خواندنش تغییر نمی یابد چه آن حروف زیروزبر داشته باشند یا نداشته باشند و این اسم در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره موجود است یعنی سوره های: بقره ، آل عمران، نساء ، طه و تغابن. شیخ مغربی گفته است: هر که این پنج آیه مبارکه را وِرِد دائم خود قرار دهد ، و هر روز یازده بار بخواند هر آینه برای او هر کار مهمی از امور کلی و یا جزئی به زودی آسان گردد ، ان شاء الله تعالی.

آن پنج آیه عبارت است از: ۱. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، الْحَيُّ

۱- خدایی که معبودی جز او نیست آن خدا زنده به

الْقَيُّومُ...﴾ تا پایان آیه الكرسي ۲. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ،

۲- خدایی که معبودی جز او نیست،

خود پاینده

الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ، مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ،

زنده به خود پاینده، فرو فرستاد بر تو کتاب را بر حق، تصدیق کننده آنچه پیش از آن بود، و پیش

وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ ، وَأَنْزَلَ

از آن تورات و انجیل را برای هدایت مردم نازل کرد، و فرقان

الْفُرْقَانَ ۳. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ،

۳- خدایی که معبودی جز او نیست، به راستی شما را برای روز قیامت را فرو فرستاد.

دُعای توسل

لَا رَيْبَ فِيهِ ؛ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٤﴾ . ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

گرد خواهیم آورد، تردیدی در آن نیست، و چه کسی در گفتار راستگوتر از خدا است؟ ۴- خدایی که معبودی

هُوَ ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿٥﴾ . ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ؛ وَعَلَى اللَّهِ

جز او نیست برای او است نامهای نیکو. ۵- خدایی که معبودی جز او نیست و باید که

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ .

مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

دُعای توسل

دوّم: علامه مجلسی رحمته الله فرموده است: در بعضی از کتابهای معتبر از محمد بن بابویه نقل کرده‌اند که این دعا را از امامان علیهم السلام روایت کرده و گفته است: در هیچ امری آن را نخواندم مگر آنکه به زودی اثر اجابت آنرا یافتیم. و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَاتَوَجَّهُ اِلَیْكَ ، بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ ، مُحَمَّدٍ

خدا یا از تو درخواست دارم و به سویت روی آوردم به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ یا اَبَا الْقَاسِمِ یا رَسُوْلَ اللّٰهِ ، یا اِمَامَ الرَّحْمَةِ ،

(درود خدا بر او و خاندانش) ای ابا القاسم، ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت،

یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَی

ای آقا و مولای ما، به تو رو آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی

اللّٰهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ ، اِشْفَعْ لَنَا

خدا تو را وسیله ساختیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما

عِنْدَ اللّٰهِ . یا اَبَا الْحَسَنِ ، یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ ، یا عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ ،

نزد خدا شفاعت کن. ای ابا الحسن ای امیر المؤمنین ای علی بن ابیطالب،

دُعای توسل

یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . یا فَاطِمَةُ

حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. ای فاطمه

الزَّهْرَاءُ ، یا بِنْتَ مُحَمَّدٍ ، یا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، یا سَيِّدَتَنَا

زهرا، ای دختر دل‌بند محمد، ای نور چشم رسول خدا، ای سرور

وَمَوْلَاتِنَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ،

و بانوی ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعِ لَنَا

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا

عِنْدَ اللَّهِ . یا اَبَا مُحَمَّدٍ ، یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ

شفاعت کن، ای ابا محمد، ای حسن بن علی ای برگزیده ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ ؛ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا ،

فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم

اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ

و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را

بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، یا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ،

ای ابا عبدالله، ای حسین بن علی، ای شهید، ای فرزند فرستاده خدا،

یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگان، خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم، و تو را واسطه

وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان

دُعای توسل

حاجاتنا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . یا اَبَا الْحَسَنِ ،

نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن،

یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ ، یا زَیْنَ الْعَابِدِیْنَ یا بْنَ رَسولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ

ای علی بن الحسین ای زین العابدین، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت

اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ،

خدا بر بندگان ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا

و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند

عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . یا اَبَا جَعْفَرٍ ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ ، اَیُّهَا

نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای ابا جعفر، ای محمد بن علی، ای

الْبَاقِرُ یا بْنَ رَسولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا

باقر، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا

وَمَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ،

و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم،

وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما نزد

اللَّهِ . یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، اَیُّهَا الصَّادِقُ یا بْنَ

خدا شفاعت کن. ای ابا عبدالله، ای جعفر بن محمد، ای صادق، ای فرزند

رَسولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا ،

رسول خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،

اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ

به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش

یَدَیْ حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن،

یا اَبَا الْحَسَنِ ، یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، اَیُّهَا الْكَاطِمُ یا بْنَ رَسولِ اللَّهِ ،

ای ابا الحسن ای موسی بن جعفر، ای کاظم، ای فرزند فرستاده خدا،

دُعای توسل

یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه

وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي

قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . یا أَبَا الْحَسَنِ ،

حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن

یا عَلِیَّ بْنَ مُوسَى ، أَيُّهَا الرِّضَا یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی

ای علی بن موسی، ای رضا، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا

بندگان ای آقا و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل

بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ،

جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا،

اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . یا أَبَا جَعْفَرٍ ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ ، أَيُّهَا التَّقِیُّ

برای ما نزد خدا شفاعت کن ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای تقی

الْجَوَادُ ، یَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا

جواد، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا

وَمَوْلَانَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ،

و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا ؛ یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای ابرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا

اللَّهُ . یا أَبَا الْحَسَنِ ، یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الْهَادِی النَّقِیُّ ، یَا بْنَ

شفاعت کن، ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای هادی نقی، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا ،

فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ

به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را

دُعای توسل

بَيْنَ يَدَي حَاجَتِنَا؛ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن،

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ، يَا بَنَ

ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای پاکنهاد عسگری، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا،

فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش

يَدَي حَاجَتِنَا؛ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا وَصِيَّ

روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای جانشین

الْحَسَنِ، وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ [المَهْدِيُّ]، يَا بَنَ

حسن، ای یادگار شایسته، ای پایدار مورد امید، ای مهدی، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا

فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش

يَدَي حَاجَتِنَا؛ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

پس از خواندن دعا، حاجات خود را بخواهد که به خواست

خدا بر آورده می شود. و در روایت دیگری وارد شده است

که بعد از خواندن دعا چنین گوید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَمَّتِي وَعُدَّتِي، لِيَوْمِ

ای آقایان و سرورانم، من به شما پیشوایان و توشه هایم برای روز

دعای توسل

فَقَرَى وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ،

تنگدستی روی آوردم، و نیازم به سوی خداست، و توسل جستم

وَاسْتَشَفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ ،

به سوی خدا، پس در نزد خدا واسطه من شوید،

وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ ، فَإِنَّكُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ ،

و مرا پیش خدا از گناهانم رهایی بخشید، که تنها شما وسیله من به جانب خدا هستید،

وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ

من با دوستی با شما و نزدیک شدن به شما امیدوار نجات از جانب خدا هستم، پس نزد خدا

رَجَائِي ؛ يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ؛ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَلَعَنَ

امید من باشید، ای آقایان من و دوستانان خدا، خدا بر همه آنان درود فرست و لعنت

اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ، ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . آمِينَ رَبَّ

خدا بر دشمنان خدا آن ستمگران به محمد و خاندان محمد، از پیشینیان و پسینیان، دعایم را اجابت کن ای پروردگار

الْعَالَمِينَ . مؤلف گوید: شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین

جهانیان.

دعای مفصلی موسوم به دعای فرج نقل کرده که این دعای توسل در ضمن آن آمده است و به گمان من ، «دوازده امام» خواجه نصیر الدین طوسی همین دعای توسل است که آن را با صلوات بر حجتهای پاک الهی ترکیب کرده‌اند و مجموعه آن در یک خطبه بلیغ و رسا جا گرفته است ، و کفعمی آن را در بخشهای آخر کتاب «مصباح» ذکر کرده است.

دُعای توسل دیگر

دُعای توسل دیگر

سوّم: سیّد علی خان در کتاب کَلِم طیب از کتاب قبس المصباح شیخ صهرشتی دعای توسل دیگری را نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن شرح نیست. و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى ابْنَتِهِ وَعَلَى ابْنَيْهَا، وَاسْأَلْكَ بِهِمْ

خدایا بر محمد و دخترش و دو پسر او درود فرست، و به حق آنان از تو

أَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَأَنْ تُبَلِّغَنِي بِهِمْ أَفْضَلَ

می خواهم که مرا بر طاعت خویش و جلب خشنودی خود کمک کنی، و مرا به وسیله آنان به برترین

مَا بَلَغْتَ أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِكَ؛ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي

مقامی که اولیاءت را رساندی برسانی، به یقین تو بخشنده بزرگواری. خدایا! از تو

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

درخواست می کنم به حق امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (درود خدا بر او)

إِلَّا أَنْتَقِمْتَ بِهِ مِنْ ظَلَمَنِي وَغَشَمَنِي، وَأَذَانِي وَأَنْطَوِي عَلَى

که انتقام بگیری از کسی که به من ظلم و ستم و آزار روا داشته، و در حالی چنین نقشه هایی

ذَلِكَ، وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ أَحَدٍ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر زبان من است، و به حق او مرا از گزند هر بدخواهی کفایت نمایی، ای مهربان ترین مهربانان،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

خدایا! از تو درخواست می کنم به حق ولیّت علی بن الحسین (درود خدا بر او)

إِلَّا كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَسُلْطَانٍ عَنِيدٍ،

که مرا کفایت کنی از شر هر شیطان عصیانگر و هر پادشاه ستیزه جویی

يَتَقَوَّى عَلَى بَطْشِهِ، وَيَنْتَصِرُ عَلَيَّ بِجُنْدِهِ؛ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ؛

که با یورش سختش بر زبان من نیرو گیرد، و به یاری سپاهش بر ضد من یاری جوید همانا تو بخشنده بزرگواری،

دُعای توسل دیگر

يَا وَهَّابُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

ای عطا بخش. خدا یا! از تو درخواست می کنم به حق دو ولایت محمد بن علی

وَجَعَفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، اِلَّا اَعَنْتَنِيْ بِهِمَا عَلٰی اَمْرِ

و جعفر بن محمد (درود خدا بر آنان) که مرا به وسیله آن دو بزرگوار

اٰخِرَتِيْ ، بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ، وَبَلَّغْتَنِيْ بِهِمَا مَا يُرْضِيْكَ ؛

به طاعت و جلب رضایت خود در امر آخرت کم کم کنی، و به وسیله آنان مرا به آنچه تو را خشنود می کند برسانی، به

اِنَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا تُرِيْدُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ ، مُوسٰی بْنِ

یقین تو هر کاری را که بخواهی انجام می دهی، خدا یا! از تو درخواست می کنم به حق ولایت موسی بن

جَعَفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ ، اِلَّا عَافَيْتَنِيْ بِهِ فِيْ جَمِیْعِ جَوَارِحِيْ ،

جعفر (درود خدا بر او) که در همه اعضایم، چه ظاهری و چه باطنی -

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ؛ يَا جَوَادُ يَا كَرِيْمُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ

به من سلامت کامل عنایت کنی، ای بخشنده بزرگوار، خدا یا! از تو درخواست می کنم به حق

وَلِيِّكَ ، الرِّضَا عَلِيٍّ بْنِ مُوسٰی عَلَيْهِ السَّلَامُ ، اِلَّا سَلَّمْتَنِيْ بِهِ

ولایت رضا، علی بن موسی (درود خدا بر او) که مرا

فِيْ جَمِیْعِ اَسْفَارِيْ ، فِي الْبَرَارِي وَالْبَحَارِ ، وَالْجِبَالِ وَالْقِفَارِ ،

در همه مسافرتهایم در خشکیها و دریاها و کوهها و بیابانهای خشک

وَالْاَوْدِيَةِ وَالْغِيَاضِ ، مِنْ جَمِیْعِ مَا اَخَافُهُ وَاَحْذَرُهُ ؛ اِنَّكَ

و دره ها و بیشه ها از آنچه می ترسم و پرهیز دارم در امان بداری، همانا

رَوُوْفٌ رَّحِيْمٌ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

تو مهربان و مهربور. خدا یا! از تو درخواست می کنم به حق ولایت محمد بن علی

عَلَيْهِ السَّلَامُ ، اِلَّا جَدْتُ بِهِ عَلٰی مِنْ فَضْلِكَ ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلٰی

(درود خدا بر او) که بر من از فضلت ببخشی، و از فراخی عنایتت تفضل فرمایی،

مِنْ وُسْعِكَ ، وَوَسَّعْتَ عَلٰی رِزْقِكَ ، وَاعْنَيْتَنِيْ عَمَّنْ سِوَاكَ ،

و بر من فراوان سازی روزیات را و از غیر خودت مرا بی نیاز گردانی،

وَجَعَلْتَ حَاجَتِيْ اِلَيْكَ ، وَقَضَاهَا عَلَيْكَ ؛ اِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيْرٌ .

و حاجتم را در بارگاه خود قرار دهی، و بر آوردنش را به عهده خود گذاری، همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

دُعای توسل دیگر

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ ، عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ ،

خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت علی بن محمد (درود خدا بر آنان)

اِلَّا اَعَنْتَنیْ بِهِ عَلٰی تَاْدِیَةِ فُرُوْضِكَ ، وَبِرِّ اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِیْنَ ،

که مرا بر ادای واجبات، و نیکی به برادران ایمانی‌ام کمک نمایی،

وَسَهِّلْ ذٰلِكَ لِیْ ، وَاَقْرُنْهُ بِالْخَیْرِ ، وَاَعِنِّیْ عَلٰی طَاعَتِكَ ؛ بِفَضْلِكَ

و این امور را بر من آسان گردانی و انجام آنها را قرین خیر و خوبی فرمایی، و مرا به فضل خویش بر طاعتت کمک کن

یا رَحِیْمُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا

ای مهربان. خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت حسن بن علی (درود خدا

السَّلَامُ ، اِلَّا اَعَنْتَنیْ بِهِ عَلٰی اَمْرِیْ اٰخَرَتِیْ ، بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ،

بر آنان) که مرا مدد رسانی به طاعت و جلب خشنودیت بر امر آخرتم،

وَسَرَّرْتَنیْ فِیْ مُنْقَلَبِیْ وَمَثْوَاۤیْ ؛ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

و مرا در گردشگاه و اقامتگاهم دلشاد کنی به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ وَحُجَّتِكَ ، صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَیْهِ

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجت صاحب زمان (درود

السَّلَامُ ، اِلَّا اَعَنْتَنیْ بِهِ عَلٰی جَمِیْعِ اُمُوْرِیْ ، وَكَفَیْتَنیْ بِهِ

خدا بر او) که مرا در تمام امور مدد رسانی و از گزند هر مردم آزار و طغیانگر و متجاوز کفایت کنی،

مَوْوَنَةً کُلِّ مَوْذٍ وَطَاطِعٍ وَبَاغٍ ، وَاَعَنْتَنیْ بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِیْ ،

و به وسیله آن حضرت مرا پشتیبانی نمایی که طاقتم به سر آمده و هم

وَكَفَیْتَنیْ بِهِ کُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ وَغَمٍّ وَدَیْنٍ ، وَعَنِّیْ وَعَنْ وُلْدِیْ

کفایت کنی مرا به وسیله او از هر دشمنی که دارم و از اندوه و غم و بدهکاری و از خود و فرزندانم

وَ جَمِیْعِ اَهْلِیْ وَاِخْوَانِیْ ، وَمَنْ یَعْنِیْنِیْ اَمْرُهُ وَخَاصَّتِیْ . اٰمِیْنَ

و همه اهل و برادرانم و هر که کارش با من است و نیز خاصانم، آمین

رَبِّ الْعَالَمِیْنَ .

ای پروردگار جهانیان.

چهارم: شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» دعایی نقل کرده

دُعایِ منبج

به روایت از حضرت امیرالمؤمنین که هر سوخته دل و مصیبت زده و غمناک و گرفتار آن را بخواند حق تعالی به او گشایش و فرج کرامت فرماید. و آن دعا این است:

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَيَا سَنَدَ مَنْ

ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد، ای اندوخته آن که اندوخته ای ندارد، ای پشتیبان آن

لَا سَنَدَ لَهُ، وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ

که پشتیبانی ندارد، ای نگاهدار آن که نگاهداری ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی

لَهُ، وَيَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ؛ يَا كَرِيمَ

ندارد، ای گنج آن که گنجی ندارد، ای عزت آن که عزتی ندارد، ای کریمانه

الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ،

درگذرنده، ای نیکو گذشت، ای پشتیبان ناتوانان، ای غنای تهیدستان،

يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا مُحْسِنُ

ای بزرگ مایه امید، ای نجات دهنده غریقان، ای رهایی بخش هلاک شدگان، ای احسان کننده،

يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ

ای زیبایی بخش، ای نعمت ده، ای عطا بخش، تویی آن که سیاهی شب

وَنُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ، وَخَفِيفُ

و روشنی روز و پرتو ماه و شعاع خورشید و وزش باد در

الشَّجَرِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ؛ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ،

درخت و صدای آب برایت سجده کرد، ای خدا، ای خدا، ای خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه

لَا شَرِيكَ لَكَ؛ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بی شریکی، ای پروردگار، ای خدا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ. پس از دعا هر چه حاجت داری

و با ما آنچه شایسته آنی انجام ده.

درخواست کن.

دُعای آزاد شدن از زندان

مؤلف گوید: و نیز برای گشایش مشکلات و رفع گرفتاری ،
و برطرف شدن غم و اندوه ، تداوم بر این ذکر که حضرت
جواد علیه السلام تعلیم فرموده بسیار سودمند است:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ ، اِكْفِنِي

کارهای مهم مرا

و از او چیزی کفایت نکند

ای آن که از هر چیز کفایت کند

مَا أَهْمَنِي .

کفایت فرما.

پنجم: دعای آزاد شدن از بند و زندان. سید ابن طاووس در
«مہج الدعوات» فرموده: روایت شده که شخصی در شهر
شام زمانی طولانی در زندان بود تا اینکه حضرت زهرا علیها السلام
را در خواب دید که به او فرمود: این دعا را بخوان ، و او با
تعلیم حضرت زهرا علیها السلام دعا را خواند و از زندان آزاد شد
و به خانه خود بازگشت ، آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاَهُ ، وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ اَوْحَاهُ ،

و کسی که آن را فرستاد

و به حق وحی

و کسی که بر آن است

خدایا! به حق عرش

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّاهُ ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ ، يَا سَامِعَ كُلِّ

ای شنونده هر

و به حق کعبه و کسی که آن را بنا نهاد،

و کسی که پیامش داد،

و به حق پیامبر

صَوْتٍ ، يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ ، يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، صَلِّ

ای باز آفریننده جانها پس از مرگ،

هرچه از دست رفته،

ای گردآورنده

نجوا،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ ، وَاَتِنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي

و زنان باایمان را در

و از نزد خود ما را و همه مردان

بر محمد و اهل بیتش درود فرست

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا، بِشَهَادَةِ أَنْ

تمام شرق و غرب زمین به زودی گشایشی عنایت فرما، به حق شهادت

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

اینکه معبودی نیست جز خدا، و اینکه محمد بنده و فرستاده توست، درود خدا بر او

وَأَلِهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و خاندانش، و بر نسل پاکیزه و پاکش، و سلام بسیار و کامل بر آنان باد

ششم: سید ابن طاووس در کتاب «مہج الدعوات» از سلمان

روایتی نقل کرده که: در آخر روایت مطلبی آمده به این

مضمون: حضرت فاطمه علیها السلام کلامی به من آموخت که از

حضرت رسول ﷺ فراگرفته بود، ایشان آن را در صبح

و شام می خواند و به من فرمود: اگر می خواهی هرگز در دنیا

دچار تب نشوی بر آن مداومت کن. و آن کلام این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بِسْمِ اللَّهِ النَّورِ؛ بِسْمِ اللَّهِ نَوْرِ النَّورِ؛ بِسْمِ اللَّهِ نَوْرٌ عَلَى نَوْرٍ؛ بِسْمِ

به نام خدای نور، به نام خدای نور نور، به نام خدای نور بر نور، به نام

اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ

خدایی که تدبیرگر امور است، به نام خدایی که نور را از

النَّوْرِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى

نور آفرید، و سپاس خدایی را که نور را از نور آفرید، و نور را در کوه

الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ،

طور فرو فرستاد، در کتابی بر نوشته، در ورقه ای گشوده، با اندازه ای درخور،

عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ ، وَبِالْفَخْرِ

بر پیامبری آراسته، سپاس خدای را که به عزت یاد شود، و به عظمت

مشهور، وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

مشهور است، و بر شادی و بدحالی سپاسگزاری شود، درود خدا

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. سلمان فرموده: چون آن را از

بر آقای ما محمد و خاندان پاکش.

حضرت فاطمه علیها السلام آموختم قسم به خدا آن را به بیش از

هزار نفر از مردم مکه و مدینه که دچار تب بودند تعلیم

دادم، پس همه آنان به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

هفتم: حرز حضرت امام زین العابدین علیه السلام است ، سید ابن

طاووس در دو موضع از کتاب «مهج الدعوات» این حرز

شریف را از حضرت سجّاد علیه السلام روایت کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ،

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای چابکترین حساب‌رسان،

يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ ،

ای داورترین داوران، ای آفریننده آفریدگان، ای روزی‌دهنده روزی‌مندان،

يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ ،

ای یاور یاری‌شدگان، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای راهنمای سرگردانان،

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، أَغْنِنِي يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ ، ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ

ای فریادرس دادجویان، به دادم برس، ای مالک روز جزا، تنها تو را می‌پرستیم

وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ، يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

و از تو یاری می جویم، ای فریادرس غمزدگان، ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّينَ ؛ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ،

درماندگان، تویی خدا، پروردگار جهانیان، تویی خدا، معبودی جز تو نیست

الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ ، الْكَرِيمُ رَدَاؤُكَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

فرمانروای مطلق، حق آشکار، بزرگمنشی، جامه برازنده تو است. خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ، وَعَلَى عَلِيِّ الْمُرْتَضَى ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ،

محمد برگزیده، و علی پسندیده و فاطمه زهرا

وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى ، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى ، وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ

و خدیجه کبری، و حسن مجتبی و حسین شهید

بِكَرْبَلَاءَ ، وَ[عَلَى] عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَمُحَمَّدٍ

در کربلا، و علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان و محمد

بِنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ، وَمُوسَى

بن علی باقر، و جعفر بن محمد صادق، و موسی

بِنِ جَعْفَرِ الْكَاضِمِ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ، وَمُحَمَّدٍ

بن جعفر کاظم، و علی بن موسی الرضا، و محمد

بِنِ عَلِيِّ التَّقِيِّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ ، وَالْحَسَنِ [بِنِ عَلِيٍّ]

بن علی تقی، و علی بن محمد نقی، و حسن بن علی

الْعَسْكَرِيِّ ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ ، الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ ،

عسگری، و حجت قائم امام مهدی مورد انتظار

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ ، وَعَادِ مَنْ

درود خدا بر همه آنان. خدایا دوست بدار آن که آنان را دوست دارد، و دشمن بدار آن که آنان

عَادَاهُمْ ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ ، وَالْعَنَ مَنْ

را دشمن بدارد، و یاری ده آن که آنان را یاری رساند و خوار کن آن که آنان را خوار خواهد و لعنت فرست بر

ظَلَمَهُمْ ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَانْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ،

آن که به آنان ستم ورزید و در فرج خاندان محمد شتاب فرما، و پیروان خاندان محمد را یاری کن،

[وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ] وَارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ،

محمد را روزی ام گردان،

قائم خاندان

و دیدار

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا

به مهتر ای

و خرسندان به کار او قرار ده،

و شیعیان او

و مرا از پیروان

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

مهرورزترین مهرورزان.

هشتم: شیخ کفعمی در کتاب «بلدالامین» از حضرت زین العابدین علیہ السلام دعایی نقل کرده و فرموده: این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده و گفته: هر که این دعا را صد مرتبه بخواند و دعایش اجابت نشود پس مقاتل را لعنت کند. و آن دعا این است: اِلَهِی ، کَیْفَ اَدْعُوکَ

چگونه تو را بخوانم

خدایا

وَأَنَا أَنَا ؟ وَكَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِ مِنْكَ وَأَنْتَ أَنْتَ ؟ اِلَهِی ، إِذَا

خدایا! آنگاه که از

را از تو قطع کنم و حال آنکه تو تویی،

و حال آنکه من منم، و چگونه امیدم

لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِي ، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِنِي ؟ اِلَهِی ، إِذَا

خدایا! آنگاه

پس کیست که از او درخواست عطا کنم؟

تو نخواهم که به من عطا کنی

لَمْ أَدْعُكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي ، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَسْتَجِيبُ لِي ؟ اِلَهِی ،

خدایا!

پس کیست که او را بخوانم تا اجابت کند؟،

که تو را نخوانم تا مرا اجابت کنی،

إِذَا لَمْ أَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي ، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ

پس کیست که به جانب او زاری کنم تا به من

آنگاه که به سوی تو زاری نکنم تا به من مهر آوری،

فَيَرْحَمْنِي ؟ اِلَهِی ، فَكَمَا فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

دریا را برای موسی (دروود خدا بر او) شکافتی

خدایا! چنان که

مهر آورد،

وَنَجَّيْتَهُ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تُنَجِّبَنِي

بر محمد و خاندانش درود فرستی و از آنچه در آن گرفتارم

و نجاتش دادی، از تو درخواست می کنم

دُعایِ که جبرئیل بر پیغمبرِ موقت

مِمَّا أَنَا فِيهِ ، وَتُفَرِّجَ عَنِّي فَرْجًا عَاجِلًا غَيْرَ آجِلٍ ؛ بِفَضْلِكَ

مرا رهایی بخشی، و بر من گشایش دهی گشایشی فوری نه دیر، به فضل

وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نهم: سید ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات از حضرت

باقر علیه السلام روایت کرده که جبرئیل به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله

عرضه داشت: هیچ پیامبری را به اندازه تو دوست نداشتم ،
پس بسیار بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى وَلَا تُرٰى ، وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى ، وَاَنَّ اِلَيْكَ

خدا یا! تو می‌بینی و دیده نمی‌شوی ، و تو در چشم انداز برتری و نهایت

الْمُنْتَهٰى وَالرُّجْعٰى ، وَاَنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاَوَّلٰى ، وَاَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ

و بازگشت همه به سوی تو است، و آخرت و دنیا و مرگ و زندگی از آن

وَالْمَحْيَا ، وَرَبِّ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُذَلَّ اَوْ اُخْزٰى .

تو است، پروردگارا به تو پناه می‌آورم از اینکه خوار یا رسوا شوم.

دهم: کفعمی در کتاب «بلد الامین» دعایی به روایت از موسی

بن جعفر علیه السلام نقل کرده و گفته است: این دعا عظیم الشان

و سریع الاجابة است ، و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَطْعُمْتُكَ فِیْ اَحَبِّ الْاَشْیَاءِ اِلَيْكَ ، وَهُوَ التَّوْحِیْدُ ،

خدا یا! تو را در محبوبترین چیزها نزدت که یگانه پرستی است

وَلَمْ اَعْصِكَ فِیْ اَبْغَضِ الْاَشْیَاءِ اِلَيْكَ ، وَهُوَ الْکُفْرُ ، فَاعْفِرْ لِّیْ

اطاعت نمودم، و تو را در مبغوض‌ترین چیزها که کفر است نافرمانی نکردم، پس آنچه از گناهان بین این دو است

مَا بَيْنَهُمَا ؛ يَا مَنْ اِلَيْهِ مَفْرٰى ، اَمْنِیْ مِمَّا فَزَعْتُ مِنْهُ اِلَيْكَ .

بر من بیامرز، ای آن که گریزگاهم تنها به جانب اوست، از آنچه از آن به سویت پناه آوردم مرا ایمنی بخش،

دُعای کسب الاجابة

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الْكَثِيْرَ مِنْ مَعَاصِيْكَ ، وَاَقْبَلْ مِنْيَ الْيَسِيْرَ

خدایا! بیامرز از نافرمانیهای بسیارم را در پیشگاهت،

مِنْ طَاعَتِكَ ؛ يَا عُدَّتِيْ دُونَ الْعُدَدِ ، وَيَا رَجَائِيْ وَالْمُعْتَمَدَ ،

و طاعت اندکم را در آستانت بپذیر، ای تنها توشه‌ام از میان توشه‌ها، و ای امید و آرامش،

وَيَا كَهْفِيْ وَالسَّنَدَ ، وَيَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ ، يَا قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدُ ، اللهُ

و پناه و تکیه گاهم، و ای یگانه و یکتا، ای که گفتی « یگو او خدای یکتاست، خدای

الصَّمَدُ ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدُ ، أَسْأَلُكَ

بی نیاز است، نه زاده و نه زاییده شده، و برایش همتایی نبوده است»، از تو درخواست می کنم

بِحَقِّ مَنْ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِيْ خَلْقِكَ

به حق آنان که از میان آفریده‌هایت انتخاب نمودی، و هیچکس را از میان آفریدگانت

مِثْلَهُمْ أَحَدًا ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتَفْعَلَ بِيْ مَا أَنْتَ

همانند آنان قرار ندادی، بر محمد و خاندانش درود فرست، و با من چنان کن که

أَهْلُهُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرٰی ، وَالْمُحَمَّدِيَّةِ

سزاوارانی، خدایا! از تو درخواست می کنم به حق یگانگی بزرگ‌تر الهی، و مقام تابنده محمدی،

الْبَيْضَاءِ ، وَالْعُلُوِّيَّةِ الْعُلْيَا (الْعَلِيَاءِ) ، وَبِجَمِيعِ مَا احْتَجَجْتَ

و جایگاه برتر علوی، و به تمام آنچه به آن بر بندگانت

بِهِ عَلَى عِبَادِكَ ، وَبِالْاِسْمِ الَّذِيْ حَبَبْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ ،

حجت نهادی، و به حق آن نامی که از آفریدگان خود پنهان داشتی،

فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ

که از تو جز برای تو اظهار نگیرد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من در کارم

أَمْرِيْ فَرْجًا وَمَخْرَجًا ، وَارْزُقْنِيْ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ ، وَمِنْ

گشایش و راه نجاتی قرار ده، و از جهاتی که گمان می برم و یا

حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ ؛ اِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . سپس

گمان نمی برم مرا روزی ده همانا تو هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی.

حاجت خود را درخواست کن.

دُعایِ مَن تَحُلُّ بِهِ عُقْدَ الْمَكَارِهِ

یازدهم: کفعمی در کتاب «مصباح» دعایی نقل کرده و فرموده است: سید ابن طاووس این دعا را برای ایمن شدن از ستم سلطان و نزول بلا و چیرگی دشمنان و ترس و تنگدستی و دل‌تنگی ذکر کرده ، و آن از دعا‌های صحیفه سجّادیه است ، پس هرگاه از زیان آنچه ذکر شد در هراس بودی آن را بخوان. و دعا این است:

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ ، وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ ،

ای آن‌که گره گرفتاریهای سخت تنها به وسیله او باز گردد، ای آن‌که تیزی تیغ دشواریها

وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

به او درهم شکسته شود، ای آن‌که بیرون آمدن از رنجها و راه یافتن به سوی عرصه گشایش تنها از او درخواست گردد،

الصَّعَابُ ، وَتَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ

در برابر تواناییات سختیها رام شد، و به لطفت اسباب و وسائل فراهم گشت، و به نیرویت

الْقَضَاءُ ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ

قضا جاری شد، و امور براساس ارادات گذرد، پس اشیاء تنها نه به

قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ ، وَإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ ؛ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ

گفتار تو بلکه به ارادات فرمان پذیرند، و تنها به ارادات قبل از نهی کردن تو باز داشته‌اند، تنها تو برای

لِلْمُهِمَّاتِ ، وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلْهَمَاتِ ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا

رفع گرفتاریها خوانده شدی، و در بلاهای سخت پناهگاهی، چیزی از آن بلاهای سخت دفع نگردد جز آنچه تو دفع

مَا دَفَعْتَ ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ ، وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ

کردی، و چیزی از آن گشوده نشود مگر آنچه تو گشودی، پروردگارم مشکلی به من رسیده که سنگینی اش مرا به زحمت

مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ ، وَالْمَبِيُّ مَا قَدْ بَهْظَنِي حَمْلُهُ ، وَبِقُدْرَتِكَ

انداخته است، و دشواری بر من فرود آمده که به دوش کشیدنش مرا گرانبار نموده است آری آن را تو به قدرت خویش

دُعای مین حُشَلْ بِعُقْدِ الْمَكَارِ

أُورِدْتَهُ عَلَيَّ، وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أُورِدْتَ،

بر من فرود آوردی، و با نیرویت متوجه من ساختی، پس از آنچه مرا در آن وارد کردی بیرون کننده‌ای نیست

وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ

و از آنچه متوجه من نمودی باز گرداننده‌ای وجود ندارد و از آنچه تو بستنی گشاینده‌ای نمی‌باشد و از آنچه

لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ

تو گشودی کسی را یارای بستن نیست و بر آنچه تو سخت گرفتی آسان کننده‌ای وجود ندارد و برای آن که تو از یاری‌اش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ،

دریغ ورزیدی یاوری نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست، و گشایش را پروردگارا به کرم و فضیلت به روی من بگشا،

وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا

و چیرگی اندوه را به نیرویت از من بگیر، و مرا در آنچه از آن به تو

شَكُوْتُ، وَادِقْنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ

شکایت نمودم خوش‌بینی عطا فرما، و شیرینی رفتار را نسبت به آنچه از تو خواستم به من بچشان،

لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِيئًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا

و از پیشگاه خود مهر و گشایش گوارایی به من ببخش، و از نزد خود

وَحَيًّا، وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ

راه نجات فوری برایم قرار ده، و از محافظت در انجام واجبات،

سُنَّتِكَ (سُنَّتِكَ)، فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا،

و به کار گرفتن احکامات در زندگی مرا غافل مساز، پروردگارا از مشکلی که بر من فرود آمده

وَامْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا

سخت به تنگ آمدم، و وجودم را به خاطر حادثه‌ای که برایم رخ داده اندوه فرا گرفته است، تنها تو توانایی برای برطرف

مُنِيَّتُ بِهِ، وَدَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ، وَإِنْ

ساختن آنچه به آن دچار شدم و دفع آنچه در آن افتادم، پس به فضل خویش آن را برایم به انجام برسان، هر چند خود را

لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ؛ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنْنِ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ

سزاوار آن از سوی تو نمی‌دانم، ای صاحب عرش بزرگ، و دارای نعمت کریمانه، تنها

قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

تو نیرومندی، ای مهربانترین مهربانان، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

دُعایِ سُبْحِ امامِ مان «عج»

دُعایِ سُبْحِ امامِ مان «عج»

دوازدهم: کفعمی در کتاب «بلدالامین» فرموده: این دعا دعای امام زمان (عج) است که آن را به شخصی که در زندان بود تعلیم داد، پس آن زندانی با خواندن آن آزاد شد:

إِلَهِ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَانْقَطَعَ
خدایا گرفتاری بزرگ شد، و پوشیده بر ملا گشت، و پرده کنار رفت، و امید

الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ،
بریده گشت، و زمین تنگ شد، و خیرات آسمان دریغ شد و پشتیبان تویی،

وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ
و شکایت تنها به جانب تو است، در سختی و آسانی تنها بر تو اعتماد است، خدایا!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا
بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن صاحبان فرمانی که

طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا
اطاعتشان را بر ما فرض نمودی، و به این سبب مقامشان را به ما شناساندی، پس به حق ایشان

عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلِّمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ؛ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ
به ما گشایش ده، گشایشی زود و نزدیک همچون چشم بر هم نهادن یا زودتر، ای محمد و ای علی، ای علی

يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ.
و ای محمد، مرا کفایت کنید، که تنها شما کفایت کنندگان منید، و یاری ام دهید که تنها شما یاری کنندگان منید،

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ! أَدْرِكْنِي
ای مولای ما ای صاحب زمان، فریادرس، فریادرس، فریادرس، مرا دریاب،

أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي! السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ! الْعَجَلَ الْعَجَلَ
مرا دریاب، مرا دریاب، اکنون، اکنون، اکنون، با شتاب، با شتاب

العَجَلُ ! يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

به حق محمد و خاندان پاک او.

ای مهربان ترین مهربانان

با شتاب،

سیزدهم: کفعمی در کتاب «مصباح» فرموده است: این
دعای حضرت مهدی (عج) است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ ،

و خدايا، توفیق فرمانبری،

و دوری از نافرمانی،

و درستی نهاد

وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ ، وَسَدِّدْ

و شناخت واجبات را روزی ما بدار

و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار،

و زیانمان

السِّنْتَنا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ ، وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ ،

را به راستگویی و حکمت استوار ساز،

و دلپایمان را از دانش

و بینش پر کن،

وَطَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ

و شکمهایمان را از

حرام و شبهه پاک فرما،

و دستانمان را از

الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ ،

ستم و دزدی بازدار

و دیدگانمان

را از ناپاکی

و خیانت فرو بند،

وَأَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا

و گوشهایمان را از شنیدن

بیپوده و غیبت ببند،

و بر دانشمندانمان

بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيْحَةِ ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ ، وَعَلَى

زهد و خیرخواهی

و بر دانش آموزان

تلاش و شوق،

و بر

الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ

شنوندگان پیروی

و پندآموزی،

و بر بیماران شفا

وَالرَّاحَةِ ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلَى مَسَاحِينَا بِالْوَقَارِ

و آرامش، و بر مردگان

مهر و رحمت،

و بر پیران مکنات

وَالسَّكِينَةِ ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ ، وَعَلَى النِّسَاءِ

و آرامش،

و بر جوانان بازگشت

و توبه و بر زنان

دُعای حضرت حَبَّتْ عَجْ

بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ ، وَعَلَى الْاَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُّعِ وَالسَّعَةِ ، وَعَلَى

حیا و پاکدامنی و بر ثروتمندان فروتنی و گشادگی، و بر

الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ ، وَعَلَى الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ ، وَعَلَى

تنگدستان شکیبایی و قناعت، و بر جنگجویان نصرت و پیروزی، و بر

الْاَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ ، وَعَلَى الْاَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ ،

اسیران آزادی و راحتی، و بر حاکمان دادگستری و دلسوزی،

وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْاِنْصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ

و بر زبردستان انصاف و خوشرفتاری تفضل فرما، و حاجیان

وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ ، وَاَقْضِ مَا اَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

و زیارت کنندگان را در زاد و خرجی برکت ده، و آنچه را بر ایشان از حج

وَالْعُمْرَةِ ؛ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و عمره واجب کردی توفیق اتمام عنایت کن به فضل و رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

چهاردهم: در «مَهَجُ الدَّعَوَاتِ» ذکر شده است که این دعا

دعای حضرت حَبَّتْ (عج) است:

اَللّٰهُ ، يَحَقِّقْ مَنْ نَاجَاكَ ، وَيَحَقِّقْ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، [صَلِّ

خدا یا! به حق کسی که با تو راز گفت، و به حق کسی که در خشکی و دریا تو را خواند، درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ] تَفَضَّلْ عَلَىٰ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

بر محمد و خاندان محمد و بر تهیدستان از مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ

و زنان با ایمان توانگری و ثروت عطا فرما، و بر بیماران اهل ایمان از مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ ، وَعَلَى اَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

و زنان شفا و تندرستی عطا فرما،

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ ، وَعَلَى اَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

و بر زندگانسان لطف و کرامت، و بر مردگان مردان

دُعای استغاثه بحضرت قائم عجل الله فرجه

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

و زنان با ایمان

آمرزش و رحمت،

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ ، سَالِمِينَ غَانِمِينَ ؛ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و زنان با ایمان بازگشت به وطن با سلامتی

و بهره‌مندی عنایت فرما،

به حق محمد و همه

أَجْمَعِينَ .

اهل بیت او.

دُعای استغاثه بحضرت قائم عجل الله فرجه

پانزدهم: سید علی خان شیرازی در کتاب «کلم طیب»
فرموده است: این دعا دعای استغاثه به حضرت صاحب
الزّمان (صلوات الله علیه) است، هر کجا که باشی دو رکعت
نماز بجای آر و سپس زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ ،

سلام کامل،

تمام، همه‌جانبه و فراگیر خدا،

وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ ، فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ ،

و برکات پاینده و برآورنده حق

بر حجت خدا و جانشین او

در زمین و تمامی سرزمینها،

وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ ، وَسُلَالَةِ النُّبُوَّةِ ، وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ

و خلیفه او بر همه خلق و بندگان،

آن که از نسل نبوت،

و باقیمانده عترت،

وَالصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ ، وَمُلَقِّنِ (مُعَلِّنِ) أَحْكَامِ

و از برگزیدگان است،

صاحب زمان

و آشکار کننده ایمان،

و معلم احکام

الْقُرْآنِ ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ ،

قرآن،

و پاک کننده زمین

و گستراننده عدالت

در طول و عرض جهان

[و] الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ ، الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ (الْمُرْتَضَى) ،

و حجت پایدار، مهدی،

آن امام مورد انتظار،

پسندیده،

دُعای استغاثه بحضرت قائم عجل الله فرجه

وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ ، الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ ،

و فرزند امامان پاک، جانشین و فرزند جانشینان پسندیده،

أَلِهَادِيِ الْمُعْصُومِ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمُعْصُومِينَ . السَّلَامُ

رهبر معصوم و فرزند پیشوایان راهبر معصوم، سلام

عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضَعَفِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ

بر تو ای عزت بخش اهل ایمان و همه آنان که ناتوانشان شمردند، سلام بر تو ای خوار کننده

الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

کافران گردنکش و ستمکار، سلام بر تو ای سرورم

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

ای صاحب الزمان، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ

بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه

الزَّهْرَاءِ ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَئِمَّةِ

زهرا، سرور بانوان جهان، سلام بر تو ای فرزند امامان، آن

الْحُجَّجِ الْمُعْصُومِينَ ، وَ الْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ؛ السَّلَامُ

حجت‌های معصوم، و ای پیشوای همه خلائق، سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای سرورم، سلامی با کمال خلوص به تو در ولایت و پیروی، گواهی میدهم که همانا تو

الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ ، قَوْلًا وَ فِعْلًا ، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا

امام راه یافته در گفتار و کرداری، و تویی آن که زمین را با

وَعَدْلًا ، بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ ،

عدل و داد پر کنی، پس از آنکه از ستم و جور پر شد، پس خدا در گشایش کارت شتاب ورزد،

وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ ، وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ ، وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ ،

و آسندت را آسان نماید، و زمانت را نزدیک فرماید، و بر یاران و یاورانت بیفزاید،

وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ : ﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

و به آنچه به تو وعده داده وفا کند، که خدا راستگوترین گویندگان است که در قرآن فرموده: «و ما می خواهیم

دُعای استغاثه بحضرت قائم عجل الله فرجه

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ ، وَنَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً ،

بر کسانی که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند منت نهمیم و آنان را پیشوایان

وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿١﴾ . يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، يَا بَنَ

و وارثان قرار دهیم، ای سرورم ای صاحب الزمان، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا ، وَبِجَايَ كَذَا وَكَذَا حَاجَات

رسول خدا، حاجت من این و آن است.

خود را بیان کند و بگوید فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا ، فَقَدْ

در بر آورده شدن حاجاتم نزد خدا واسطه شو،

تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً

من با حاجاتم به سوی تو رو نمودم، چون می دانم شفاعت تو نزد خدا

مَقْبُولَةٌ ، وَمَقَامًا مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ ،

پذیرفته می شود و مقام تو در بارگاهش بس ستوده است، پس به حق آن که شما را به امر خویش خاص گرداند

وَارْتِضَاكُمْ لِسِرِّهِ ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ

و برای بیان اسرارش برگزید، و به حق جایگاهی که شما در پیشگاه خدا دارید که تنها بین شما و اوست،

وَبَيْنَهُ ، سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي ، وَاجَابَةِ دَعْوَتِي ، وَكَشَفِ

بر آوردن خواهم، و اجابت دعایم، و برطرف شدن اندوهم را از خدا

كُرْبَتِي . سِپِسْ بَخَوَاهِ هِرْچِه خَوَاهِي كِه بِه خَوَاسْتِ خَدَا

بخواه.

بر آورده شود. مؤلف گوید: بهتر آن است که در رکعت اول

این نماز پس از سوره «حمد»، سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» و در رکعت دوم

پس از سوره «حمد» سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» خوانده شود.

مناجات خمس عشرة

فصل هشتم: در بیان مناجات است

مناجات خمس عشرة

مناجات خمس عشرة [یعنی مناجاتهای پانزده گانه] از مولای ما علی بن الحسین علیه السلام است ، علامه مجلسی رحمة الله علیه در کتاب بحار الأنوار فرموده است: من این مناجات را به روایت از آن حضرت در کتابهای بعضی از علما (رضوان الله علیهم) یافتیم.

المُنَاجَاةُ الْأُولَى: مُنَاجَاةُ التَّائِبِينَ

مناجات اول: راز و نیاز توبه کنندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي ، أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي ، وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ

خدا یا! گناهان بر من لباس و بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن،

لِبَاسٍ مَسْكَنَتِي ، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جُنَايَتِي ، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ

جامه درماندگی بر تنم پیچیده، و بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن،

مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُغْيَتِي ، وَيَا سُؤْلِي وَمُنِيَّتِي ، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَحَدٌ

ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم، و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم، به

لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا ، وَلَا أَرَى لِكَسْرِ غَيْرِكَ جَابِرًا ، وَقَدْ

گناهانم آمرزنده ای جز تو نمی یابم، و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم، به

خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ ، وَعَنَوْتُ بِالْإِسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ ، فَإِنْ

پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، و با ذلت و خواری، به درگاهت تسلیم شدم، اگر